

تحقیق، زکارت در انتقاد، شناساییهای پر دامنه او در زبانشناسی، وضع کامل فکر، خوبی روش که بسیار منطقی و میتوان گفت بسیار فرانسوی بود تنوع در مطالعات و بالاخره پشتکار خستگی ناپذیری که در کارها داشت همه اینها از اوصاف ابن دانشمند است دانشمندی که یا، مملکت حقاً باید بوجودش افتخار نماید.

بورنوف در سن ۵۱ سالگی نابهنگام در گذشت. اما هنوز در بستر بیماری با رنج و درد در مبارزه بود که آکادمی نگارش ادبی پاریس او را سردبیر همیشگی خود نامید و این امتیاز پرافتخار آرزوهای جاه طلبی متواضع او را که همیشه وقف پیشرفت علم بود بر آورد. پانزده روز بعد از درد و محنت از پا در آمده چشم از جهان رو بست و تمام مراکز علمی اروپا را با مرگ خود متأسف ساخت.

او به تحقیقات و مطالعات زبان فارسی که دانشمندان فرانسوی پیش یا بعد از او آثار درخشانی در آنها گذاشته اند خدمت فراوانی کرده است.

قسمتی از فصل سوم کتاب محمد مر بی تألیف پرفسور رابرت گولیک

ترجمه آقای حسن گریست معلم دانشکده ادبیات تبریز

## مدارس اسلامی

معدودی از دانشمندان نفوذ اعراب را که در پدید آوردن دوره تجدد علمی اروپا یار نسانس قابل ملاحظه بوده است انکار می کنند ده سال بعد باید کتب بسیاری را ترجمه نمود تا اینکه معلمین مغرب زمین تصدیق کنند که انقلاب محمدی رادر کتب تاریخ مقام مناسبتری از اینکده دارد باید بخشند و مثلاً آنرا اقلاد در ردیف انقلاب فرانسه بدانند. در اثر تحقیقات وسیعی که بعدها بعمل خواهد آمد خزائن معنوی که مسلمین بهیراث برای ما باقی گذارده اند مکشوف خواهد شد پس سزاوار است که نویسندگان امروزی در باره میزان کمک و مشارکت اعراب در تمدن معاصر از گرفتن نتایج منفی خودداری کنند ضمناً باید دانست که افراط در پرواز تخیلات در باره موفقیت های

بزرگ گذشته نیز خالی از مخاطره نیست. یکی از قصور عمده ما اینست که در باره تمدنی که میدانیم دوران صباوت خود را میگذارند و یا آنکه ایام فتور و کهولت را طی میکنند بسیار لاف میزنیم بنا بر این هر کس باید در قبول و اشاعه ادعاهای خلاف و مردود احتیاط و ملاحظه کاری را از دست ندهد که اینک، عبدالکریم رسما صحت داستان تجارت اعراب را با قاره امریکا در ۷۷ ع سال قبل از کریستف کلمب تأیید و تضمین کرد، سید احسان البکری معتقد است که حتی مسامین اولیه مبادرت پیرواز کردند و ابوالکاسم مخترع شیشه در آن موقیعت‌هایی حاصل نمود اما متأسفانه سقوط کردند و کشته شد.

مدارس رل مهمی در پیشرفت و توسعه فرهنگ ایفا کردند، ریشه اصلی کلام Bachelor انگلیسی به معنای صاحب درجه ابتدائی دانشگاه (یا ایسانس) که بفرانس Baccalaurate به معنای تصدیق دوره دوم دبیرستان آمده است هنوز بطور قطع و یقین تعیین نگشته لکن این کلمه در Chanson de Roland استعمال شده و چنین نظر داده شده است که از «بحق الرویاء» به معنای حق تدریس با کسب اجازه و فتوای دیگری مشتق شده باشد (۱) علی‌آدماد پیا مبر و ابن عباس پسر عم محمد ص در زمینه شعر و دستور زبان و تاریخ و ریاضیات برای عموم سخنرانی میکردند و احتمالاً این گونه عملیات فرهنگی برای بزرگسالان در مساجد دارای اعتبار و نفوذ بیشتر بود تا تدریس آنها بخردسالان امیر علی چنین مینویسد:

اسپانیای مسلمان دارای يك سازمان فرهنگی بسیار وسیع و مترقی بود، هر شهر ولو هر قدر هم که کوچک بود دارای مدارس و دانشکده بود و شهرهای عمد، دارای دانشگاه مستقل بخود بودند و مخصوصاً دانشگاه‌های قرطبه و سویل و مالآگرا و سراگوس و لیسن و سالامانکا دارای موقیعت بسیار شامخ و ممتاز بودند. (۲)

رسم بر این بود که دانشگاه‌های عربی اسپانیا يك جلسه ذکر خیر سالیانه و شوراهای متناوب داشتند و حضور عموم افراد در این جلسات آزاد بود در این موارد عموماً اشعاری خوانده میشد و سخنرانی‌هایی از طرف برجسته‌ترین شخصیت‌های دانشگاه ایراد میگشت، درس در هر يك از مدارس این سطور نوشته شده بود، دینا فقط بر چهار

۱ - کتاب میراث اسلام (بانگلیسی) تالیف توماس ارنولد ص ۲۴۵

۲ - تاریخ مختصر اعراب (بانگلیسی) تالیف امیر علی ص ۵۷۷

چیز استوار است: علم عقلا و عدل بزرگان و عبادت پرهیز کاران و شجاعت دلاوران (۱)  
 وضع محصلین در دوران خلفای فاطمی در مصر فوق العاده مساعد و مطلوب  
 بوده. بینه بنا برگفته المقریسی مقرری روزانه هر محصل پنج قرص نان خرب و مقداری  
 وجه ندم بود، چراغ و لباس ضخیم بایشان نیز برابگان داده میشد، بزرگ سالان نیز از  
 کسب فضیلت و دانش بی بهره نبودند چه بنا بقول ابن بطوطه در دمشق مدرسه‌ای بنام  
 ابن عرب بود که بمنظور تدریس قرآن باشخاص من تاسیس یافته بود و لباس و خوراک  
 معلمین و محصلین برابگان داده میشد، در بعضی از مدارس پسران و دختران باهم در  
 يك کلاس درس می نشستند و حتی بانوان هم گاهی در کلاس‌های مردانه بتدریس دروس  
 ادبیات عالی اشتغال داشته‌اند (۲)

دار الحکمه قاهره آرمان بیکن را قبلا با حقیقت وفق داده بود (۳) زیرا که  
 در آنجا استفاده مجانی از کتاب برای عموم مسیر بود، امیر علی نیز اطلاعات جالبی در  
 خصوص علاقه پیشوایان مصر بفرهنگ دارد (۴)

و خلفا غالبا جلسات مباحثه و مناظره علمی تشکیل داده و استادان دانشگاهها  
 را برای شرکت در این قبیل مباحثات و اظهار نظر در رشته‌های تخصصی خود از قبیل  
 منطق و ریاضیات و فقه و طب دعوت میکردند. در این جلسات استادان همه در لباس  
 رسمی (خلعت) یار دای استادی بودند. فرقه مخصوص استادان دانشگاه‌های انگلستان  
 هنوز شکل اصلی خلعه اعراب را از دست نداده است.

این یادداشتی است در باره بودجه مدارس مصر (۵)  
 ۲۵۰ هزار سکه زر که در اثر يك مالیات بسیار منظم دریافت میشد، به مصرف  
 هزینه مدارس و پرداخت حقوق استادان و کارمندان و تهیه کلیه وسائل تحصیلی و سایر  
 هزینه‌های تعلیمات علمی عمومی میرسید

(پیدا کردن علت اصلی و منشاء استعمال علامت اسلامی فراموشخانه کاری بسیار دشوار  
 است و اختفاور آزداری که در فراموشخانه‌ها معمول بوده از تحقیقات قابل بحث جلوگیری

۱ - از همان کتاب ص ۵۷۰

۲ - اعانات اعراب بتعلیم و تربیت (انگلیسی) تالیف خلیل طوقاح ص ۸۳۰

۳ - روح اسلام (انگلیسی) تالیف امیر علی ص ۳۴۵

۴ - تاریخ مختصر اعراب تالیف امیر علی ص ۶۱۴

۵ - از همین کتاب ص ۶۱۵

ميكند ولي ما اطلاعي نداريم كه يك مجمع عالي فراماسون ها بدارالحكومۀ مر كزي وابسته بوده و رئيس كل آن اعضا را براي جلسات هفتگي احضار ميكرده است!  
امير علي چنين اظهار ميكند: ( ۱ )

« روايت مقررزي در بارۀ درجات مختلف پذيرش اشخاص تازه وارد بجمع فراماسون ها خود يك گزارش و مدرك گرانبهائي است در باره اين فرقه و در حقيقت مجمع فراماسونهاي قاهره نمونه اي براي تاسيس مجامع ديگر فراماسونها كه بعدا در ممالك مسيحي تشكيل يافت گرديد )

سلاطين قرقاطه در بارۀ سر پرستي و توجه بعلم و هنر هاي زيبا با خلفاي قرقاطه رقابت ميكردند و نيز در زمينه ايجاد كارهاي عام المنفعه مجمل و پرخرج رقابت داشتند، قرقاطه مولد دانشمندان مشهور و شعراي بنام و سرنازان فداكار گرديد و خلاصه مرداني بجهان عرضه داشت كه از هر حيث شايسته . . . رمشق قرار گرفتن بودند: (۲)  
امير علي علاقه اسلام را به روش علمي چنين شرح ميدهد:

« حر كت از معلوم بجهول مكتب بغداد يك شرح دقيق تجليات و عوارض را ( بمنظور رسيدن از معلول بعلة ) بخود پس داد و آنچه را كه ميشد با تجربه و آزمائش نشان داد قبول ميكرد، اين ها بودند آن اصولي كه استادان مسلمان تعليم ميدادند، (۳)  
در تالار سخنراني سلو كي در نيشابور هميشه پانصد دوات براي تحرير آماده بود (۴)

دانشگاه الازهر در حدود يكهزار سال قبل در قاهره تاسيس يافت و هنوز هم بزرگترين دانشگاه اسلامي دنياست، قرائتخانه العزيز در قاهره حداقل داراي بيست هزار جلد كتاب بود در حاليكه كتابخانه الحكم قرقاطه تعداد كتبش از آنهام فزون بود، در بغداد شاهزادگان و وزراء در تاسيس مدارس و كتابخانه ها بايكديگر رقابت ميكردند. در سال ۹۹۰ ميلادي در بغداد مدرسه كوچكي تاسيس يافت كه داراي ده هزار و چهارصد جلد كتاب بود و كسي اجازه اقتباس از مندرجات و سخنرانيهاي عمومي مدون و استنساخ از كتب ابدون رضاي كتبتي مولف آنها نداشت شايد اين قاعده موجود وضع

۱ - از همان كتاب ص ۵۶۹

۲ - روح اسلام تاليف امير علي ص ۳۴۳

۳ - از همان كتاب

۴ - اعانات بتاريخ تمدن اسلامي (انگليسي) تاليف خدا بخش جلد دوم ص ۲۸۲

قانون محفوظ بودن حق چاپ و تقلید گردید: (۱)

خدا بخش این داستان مفرح و درعین حال غم انگیز را در باره اعتیاد مسلمانان  
بمطالعه کتب دارد:

حتی در قرن اول هجری اشخاص دانشمندی وجود داشته اند که در اثر  
تملك كتاب زیاد مورد علامت و سرزنش زوجه های خود بوده اند و یکی از همین  
اشخاص در اثر واریز شدن توده های کتابیکه بدور خود گذاشته بود بهلاکت رسید از  
داشتن کتاب زیاد مردم بخود می بنالیدند، نه فقط دانشمندان بلکه سیاستمداران هم بداشتن  
کتاب زیاد مباهات میکردند، چنانچه بوو عید وزیر هیچگاه کمتر از سی بار شتر کتاب  
باخود در مسافرتها حمل نمیکرد: (۲)

قرطبه در قرن دهم میلادی متمدن ترین شهرهای اروپا و باعث تحسین و اعجاب  
دنیای خود بود در آن شهر هفتاد قرائتخانه و نهصد حمام عمومی بود و هر وقت حکام  
شئون و ناروا بارسلون احتیاج بجراح یا معمار و یا خیاط و یا معام آواز داشتند دست  
نیاز بسوی قرطبه دراز میکردند

در دوران مسلمین قرطبه مرکز تمدن اروپا و یکی از بزرگترین مراکز  
دانش در دنیا بود لکن پس از اخراج اعراب مغربی از اسپانیا آن شهر اهمیت خود  
را از دست داد و در حکم يك شهر درجه دوم در آمد معینا مسجد با شکوه آن  
میراث گمراخته های ایامیست که قرطبه بنای تخت امپراطوری اعراب اسپانیا بوده  
است: (۳) .....

پرتال جامع علوم انسانی



- 
- ۱ - سازمان فرهنگی معلمین در قرون وسطی بقلم خدا بخش در مجله فرهنگ اسلامی (انگلیسی) شماره ۳ ص ۴۵۵ (ژوئیه ۱۹۱۷)
  - ۲ - از همان مجله شماره ۳ ص ۴۵۳
  - ۳ - از همان مجله شماره ۱۱ ص ۲۳۶ (ژوئیه ۱۹۳۷)